

## (نصيحة في هداية الناس) ..

### نصیحتی در زمینه‌ی هدایت مردم

قال (عليه السلام): (اعملوا بكل ما يمكن فهي معركة مع إبليس، هو يريد أن يأخذ أكبر عدد إلى جهنم .. الدنيا سيراها الناس بعد الموت ساعة، لم يكادوا يعرفوا منها شيئاً. هو يريد أن يحقق وعده بغواية الخلق، فإن لم يكن بإمكانه تأجيل اليوم الموعود، فهو يريد أن يحقق وعده بأن يغوي كل من سوى المختارين (1).

می‌فرماید: «با هر چه می‌توانید وارد میدان شوید چرا که این میدان، عرصه‌ی مبارزه با ابلیس است. او می‌خواهد تعداد هر چه بیشتری را به جهنم ببرد ... مردم بعد از مرگ، دنیا را به اندازه‌ی یک ساعت خواهند دید که گویی چیزی از آن ندانسته و نفهمیده‌اند. او می‌خواهد وعده‌ی خود مبنی بر گمراه ساختن خلائق را محقق سازد و اگر نمی‌تواند روز وعده داده شده را به تأخیر اندازد، می‌خواهد وعده‌ی خویش بر گمراه‌سازی همگی به جز برگزیدگان را واقعیت بخشد».

فشله أخيراً في تأجيل المواجهة الأخيرة، وتحقق الوعد الإلهي بانتصار ثلاثمائة وثلاثة عشر على أنفسهم لا يجعله ينتهي عن هدف طالما توعد به وهو غواية الناس، فأنتم انتصاركم بهداية الناس، هدايتهم وليس فقط إقامة الحجة عليهم. اعملوا كل ما يمكنكم لهدايتهم، فقط أوصيكم أن تجاهدوا إبليس بكل ما يمكنكم، أخزوه وأخزوا جنده من الإنس والجن).

شکست او در به تعویق انداختن برخورد آخر و تحقق یافتن وعده‌ی الهی با پیروزی سبب و سبزه نفر بر نفس خود، باعث نمی‌شود از هدف خود منصرف شود، مادامی که به آن هدف وعده داده شده است که همان گمراه نمودن مردم می‌باشد. پیروزی شما، در هدایت یافتن مردم است. هدایت آنها، و نه فقط اقامه‌ی حجت بر ایشان. هر آنچه در توان دارید برای هدایت کردن مردم به کار گیرید. فقط به شما توصیه می‌کنم که با هر چه می‌توانید با ابلیس جهاد کنید. او و لشکریان جن و انس را خوار و ذلیل گردانید».

1. لنصرة القائم (عليه السلام) الذي يقدم ابليس فيضرب عنقه في مسجد الكوفة وهم قلة كما ورد ذكرهم عن ال محمد في روايات كثيرة، وأنهم كالملاح في الزاد والكحل في العين والأندر فالأندر، وأيضاً في الكتب السابقة، ففي الكتاب المقدس: (14 لأن جماعة الناس مدعوون، ولكن القليلين هم المختارون) مجمع الكنائس الشرقية: ص97.

۲ - قائمی (علیه السلام) که در مسجد کوفه ابلیس را پیش می‌آورد و گردن می‌زند را افراد اندک شماری یاری می‌دهند. این موضوع را آل محمد (علیهم السلام) در روایات فراوانی بیان فرموده‌اند؛ و این که آنها همچون سرمه در چشم و نمک در غذا کمیاب و بسیار نادر می‌باشند. در کتاب‌های (آسمانی) سابق نیز آمده است؛ مثلاً در کتاب مقدس آمده است: «14 - چرا که همه‌ی مردم دعوت‌اند لیکن انتخاب شدگان همان افراد اندک‌اند» (مجمع الكنائس الشرقي: صفحه 97).

ولما سألته عن أوجع ضربة توجه لابليس (لعنه الله)، قال (عليه السلام): (ألم تقرأ في الحديث والأثر: إذا سجد ابن آدم اسودّ وجه إبليس (3)).

من درباره‌ی دردناک‌ترین ضربه‌ای که بر ابلیس لعنت الله وارد می‌شود از ایشان سؤال کردم. وی (عليه السلام) فرمود: «آیا در حدیث و خبر نخوانده‌ای که هرگاه فرزند آدم سجده کند، روی ابلیس سیاه می‌شود؟!»<sup>۴</sup>

سأقص لك رؤيا رأيتها قبل زمن ربما توضح لك الأمر أكثر: رأيت جيشاً كبيراً أقوده وحدثت معارك كبيرة، وكان هناك شهداء من جيش الأنصار، وكانت أرواحهم تصعد وصورها جميلة جداً، وكان الأنبياء يقفون في باب السماء يستقبلونهم وفرحين جداً بهم، ومن ضمن الأنبياء إبراهيم (عليه السلام)، وكان فرحاً جداً، وقالوا: لم يحصل هذا منذ خلق الله آدم أن ينتصر هذا العدد الكبير على الأنا والدنيا والهوى والشيطان، انتهت.

رؤیایی را که چندی پیش دیده‌ام برای تعریف می‌کنم، تا شاید این قضیه را برای شما روشن‌تر سازد: ارتش بزرگی را دیدم که آن را فرماندهی می‌کردم. زد و خوردهای بزرگی واقع شد. از ارتش انصار چند نفر شهید شدند و ارواح ایشان با صورت‌هایی بسیار زیبا به بالا برده می‌شدند. پیامبران در دروازه‌ی آسمان ایستاده بودند و با خوشحالی بسیار از آنها استقبال می‌کردند. از جمله‌ی پیامبران حضرت ابراهیم (عليه السلام) بود که بسیار شادمان بود. پیامبران می‌گفتند از زمانی که خدا آدم را آفرید چنین چیزی پیش نیامده بود که چنین تعداد زیادی، بر منیت و دنیا و هوی و شیطان پیروز شوند. رؤیا تمام شد.

ما أريد أن تفهمه أنّ متابعة حجة الله بقدر دقتها يسود وجه إبليس. السجود الذي رفضه إبليس هو الذي يسود وجهه، لقد رفض السجود لخليفة الله، وتوعد باغواء الناس، وأن يحملهم على رفض السجود لخليفة الله، فما هو الذي يسود وجهه أكثر من نقض غايته وهدفه؟

آنچه مایلم شما درک کنی این است که پیروی از حجت الهی به میزان دقت آن، چهره‌ی ابلیس را سیاه می‌گرداند. همان سجده کردنی که ابلیس آن را قبول نکرد، روی او را سیاه می‌کند. ابلیس از سجده بر جانشین خدا سر باز زد و وعده داد که مردم را گمراه ساخته و به سرپیچی کردن از سجود بر جانشین خدا وامی‌دارد. بنابراین چه چیزی بیشتر از نقض هدف و غایتی که به دنبال آن است، رویش را سیاه می‌گرداند؟

3. انظر: الكافي: ج 3 ص 264، الخصال للصدوق: ص 616.

۴ - مراجعه نمایید به: کافی: جلد 3 صفحه 264 ؛ خصال صدوق: صفحه 616.

إذن، فهو ما قلته لك أولاً: اعملوا على هداية الناس، اجعلوهم يسجدون كالملائكة، وأخزوا إبليس الذي يريد منهم متابعتة في رفض السجود لخليفة الله).

پس موضوع همان است که در ابتدا به شما گفتم: برای هدایت مردم، بکوشید؛ کاری کنید که آنها هم مانند فرشتگان سجده کنند. ابلیس را که از آنها می‌خواهد در رد سجده بر خلیفه‌ی الهی از او پیروی کنند، به خواری بکشانید».

ولما طلبت منه (عليه السلام) الدعاء في أن يكتبنا الله تعالى من الساجدين لخليفته في أرضه، قال (عليه السلام): (اللهم يجعلنا جميعاً من الساجدين للساجد الأول والعابد الأول والمسلم الأول والناطق إذا خرس الألسن في عرصات القيامة).

من از ایشان (علیه السلام) تقاضا کردم که در دعا بخواهد خداوند ما را در زمره‌ی کسانی قرار دهد که بر جانشین او بر زمین سجده گزارده‌اند. ایشان (علیه السلام) فرمود: «پروردگار، همه‌ی ما را جزو سجده‌گزاران بر اولین سجده‌کننده و اولین عبادت‌کننده و اولین مسلمان قرار دهد و هنگامی که در صحرای محشر زبان‌ها لال می‌شود، ما را گویا قرار دهد!».

\* \* \*